

# «سروش» های جهان اسلام!

پروژه مشترک نقد وحی در حمله منورالفرهای جهان اسلام



توسط اندیشکده برهان و همزمان با اجرای تحریم‌های امریکا

## «توسعه از کدام مسیر؟» منتشر شد

همزمان با نقض عهد ایالات متحده آمریکا در توافق هسته‌ای و در حاشیه نشست تخصصی «پیشرفت منهای برجام» از کتاب «توسعه از کدام مسیر؟» با موضوع بررسی تطبیقی الگوهای توسعه برون‌زا و پیشرفت درون‌زا رونمایی شد. این کتاب از مجموعه کتاب‌های اندیشنامه پیشرفت و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان در ۲۷۰ صفحه و در شش فصل، از سوی انتشارات دیدمان به‌زور طبع آراسته گردیده است.

«چالش‌های توسعه‌گرایی در تضارب نظریات غربی»، «تجربه و نتایج الگوهای توسعه در جهان»، «تجربه تاریخی توسعه‌گرایی در عصر قاجار و پهلوی»، «پیشرفت در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی»، «جزا و ابعاد پیشرفت درون‌زا» و «چالش‌های تحقق الگوی پیشرفت بومی درون‌زا در ایران» عناوین فصل‌های شگانه این کتاب هستند.

در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «مسئله پیشرفت از جمله مسائل با پیشینه نسبتاً طولانی در کشور ما بوده و پس از انقلاب اسلامی نیز از جمله مهم‌ترین چالش‌های نظری و کارکردی میان‌نخبگان و تصمیم‌گیران جامعه بوده است. تعالی جویی و تلاش در جهت حرکت به سمت جلو، در نهاد فطری انسان نهادینه‌شده است و در دوران معاصر با تکیه بر چه بیشتر بر دانش و تفکر، این امر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این زمان، از تک‌تک آحاد بشریت گرفته تا مجموعه جامعه انسانی، «پیشرفت» را برای خود هدفی اساسی دانسته و چنین گمان می‌رود که گام برداشتن یک جامعه در جهت پیشرفت به منزله مرگ تدریجی و نابودی آن جامعه خواهد بود. پیشرفت از آنجایی که به عنوان نیروی

که هر جامعه‌ای بر اساس مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی خود برداشت خاصی از آن دارد. در فرآیند پیشرفت، تکامل، هدف‌گذاری و تعیین مسیر برای آن جهان‌بینی حاکم بر جامعه فکری بسزایی دارد. اگر جامعه‌ای دارای بینش مادی باشد، اهداف زندگی را محدود به جنبه‌های مادی می‌داند و گزینش خود را در همین راستا انجام می‌دهد و پیشرفت را حرکتی در جهت اهداف خود تعریف می‌کند. در این نگاه، هر چیزی که محدودیت مادی ایجاد نماید و برای امیال و خواسته‌های مادی مانع محسوب شود، ضد توسعه قلمداد می‌شود.

کاربرد واژه توسعه توسط اندیشمندان و سیاستمداران غربی با بار ارزشی و ارزش‌گذاری شخصی همراه است. غرب با تقسیم‌بندی جهان به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته این مفهوم را القا می‌کند که کشوری توسعه‌یافته به شمار می‌رود که دارای فرهنگ، آداب،

رفتار و جهت‌گیری سیاسی با مشخصات غربی باشد. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غریبی شدن است و توسعه‌نیافته یعنی کشوری که در مسیر غریبی شدن قرار ندارد. ملاک این تقسیم‌بندی نه برخورداری از دانش و فناوری پیشرفته، بلکه برخورداری از فرهنگ و ارزش‌های غربی و حرکت در مسیر کسب آنهست. در این راستا، ایده توأم بودن فرهنگ و فناوری را مطرح کردند. مدعای این ایده این بود که باید فناوری را با فرهنگ پذیرفته‌شده یا در کنار آن و چون فناوری از غرب می‌آید، باید فرهنگ هم از غرب بیاید.

پیشرفت در اندیشه و نظام معنایی اسلام معنای خاص دارد و در چالش با توسعه غربی است. واژه توسعه که در جهان سیاست به کار برده می‌شود، برگرفته‌شده از فرهنگ غرب است و با



در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی جوامع اسلامی در پرتو فرهنگ و آیدئولوژی آسمانی‌شان رقم می‌خورد. بدین معنا که اگر جهان غرب با ابتدا بر انسان محوری با فرهنگ مادی و فناوری پیشرفته‌اش شناخته می‌شود؛ جهان اسلام با ابتدا بر خدامحوری با معنویت، انسانیت و اخلاق و با فلسفه، حکمت و آیدئولوژی متافیزیک‌اش هویت می‌یابد

## تحلیل سیدمحمد صدرایی\*

از دین اسلام، پروژه‌ای است که استعمار به دلیل احساس خطر از توانمندی و پویایی اجتماعی اسلام از سال‌ها پیش آن را پیاده‌سازی نموده است. یکی از راهبردهای این مسیر، نقد دین و اعتقادات دینی توسط روشنفکران غربزده است. نگاه به کشورهای اسلامی و جریان‌های متحد حاکم بر آنها و رهبران فکری‌شان نشان از یک اتصال و قرابت جدی فکری در موضوع قرآن و وحی به عنوان کلیدی‌ترین اعتقاد و پیشخور فکری اعتقادات اسلامی است.

در کشور ایران مهم‌ترین جریان که پس از انقلاب با عنوان روشنفکری دینی شکل گرفت و آیشخور فکری خود را نیز بر اساس دو رویکرد نسبی‌گرایی و ابطال‌گرایی بنا کرد، جریان تجسد به رهبری سروس بود که در نگرش خود به استناد برخی اشعار یا سوره‌های قرآن، قرآن را در حیث اتصال مطلق به وحی زیر سؤال می‌برد. سروش با طرح مسئله قبض و بسط تجربه نبوی، تلاش کرد پایه الهی بودن وحی را منتزل داده و آن را تجربه‌ای بشری بنماید.

سروش با ترکیب دو موضوع «تجربه وحی» و «هرمنوتیک» قرآن را چون اینهای شکسته می‌داند که هر تکه آن در دست کسی است و بنابر این هیچ برداشتی را درمستک کسی از اصطلاح وحی (منزل) نمی‌داند می‌کوشد بیان دارد و در قبض و بسط فهم انسانی از دین و قرآن استنتاج‌های مختلف هست که حقیقت مطلق نیست. سروش اعتقاد خود را اینطور تصریح می‌کند: «پایمیر در واقع مؤلف قرآن است... و وحی را در واقع پایمیر تولید می‌کند. وحی در واقع تألیف پایمیر است. در واقع خاوندیک شخصیتی آفریده است همین و بس. بقیه را به او واگذار کرده. این شخص با ظرفیت‌ها توانایی‌هایی که دارد به قول شما به آن سنگینال‌های نام نظامی می‌بخشد که وقتی ما آنها را نظر می‌کنیم می‌بینیم چقدر پر مغز و معناست، عین حافظ و تعریف‌کننده است»

لذا سروش معتقد است پایمیر درست مانند یک شاعر احساس می‌کند که نیرویی بیرونی او را در اختیار گرفته است. اما در واقع شخص پایمیر همه چیز است، آفریننده و تولیدکننده. وی گفته است: این الهام از «فص پایمیر» می‌آید و نفس هر فردی الهی است. اما سروش تنها تجری ایزد و نقد وحی در کشورهای اسلامی نیست و تأملی در آثار و سخن برخی دیگر از نویسندگان آثار دینی یا ضد دینی در دیگر کشورهای اسلامی این مسئله را نشان می‌دهد.

**حامد اوزید: رقیب فکری سروش در مصر**  
نصر حامد اوزید، متفکر مصری و صاحب پروژه تفسیر انسانی از قرآن را می‌توان از همگرایان با افکار عبدالکریم سروس در مصر دانست. وی که در تعارض با تفکرات اخوان و الاظهر و با ارائه تفاسیر سازگار با لیبرالیسم از دین مطرح گردید، نظریات قرآنی خود را مبتنی بر نقش محوری پایمیر در شکل‌گیری وحی ارائه نمود.

اوزید همانند سروش، ظاهر و کلمات قرآن را کلام پایمیر می‌داند و معتقد است: «برای مؤمنان حتی کاغذ این کتاب هم مقدس است، اما برای من به عنوان یک محقق، این کتابی است که عده‌ای در ساختنش مشارکت داشته‌اند. من شاهد دریافت هیچ کلامی توسط محمد از سبوی خدا نبوده‌ام. من به عنوان یک مسلمان فقط شاهد گزارش محمد از مواجعه او با خدا هستم. می‌توان مسلمان‌ها را متقاعد کرد که این کتاب محمد است. قرآن کلام محمد، همگی می‌فروش خود ماست. کسی که مدعی آن شد از خدا وحی دریافت می‌کند و ما هم او را باور کردیم، اما فقط کلام محمد را در اختیار داریم و لذا با امر انسانی روبه‌رو هستیم.»

نتیجه تبعی این نوع نگاه، اعتقاد به آن است که فرهنگ قرآنی محدود به عصر حضور پایمیر و دوران نزدیک به ایشان است و امروز نمی‌توان قرآن را سرلوحه اعمال و سبک زندگی قرار داد. او برای اثبات این ادعا برخی واژگان قرآنی بهره می‌جوید که متناسب با وضعیت زمانی روزگار پایمیر بوده است. مشابه همین مسئله را عبدالکریم سروش نیز نسبت به قرآن و مسئله محدودیت زمانی آن



## درد گولن نیز در نگاه به وحی و شیوه اتصال آن معتقد است اتصال به وحی مختص انبیا نیست. به تعبیری او نیز وحی را همان تجربه شاعرانگی می‌داند که سروس آن را از اختصاص پایمیر خارج ساخته و می‌گوید همه انسان‌ها می‌توانند به در جاتی از درد وحی بررسند

لذا سروش معتقد است پایمیر درست مانند یک شاعر احساس می‌کند که نیرویی بیرونی او را در اختیار گرفته است. اما در واقع شخص پایمیر همه چیز است، آفریننده و تولیدکننده. وی گفته است: این الهام از «فص پایمیر» می‌آید و نفس هر فردی الهی است. اما سروش تنها تجری ایزد و نقد وحی در کشورهای اسلامی نیست و تأملی در آثار و سخن برخی دیگر از نویسندگان آثار دینی یا ضد دینی در دیگر کشورهای اسلامی این مسئله را نشان می‌دهد.

نصر حامد اوزید، متفکر مصری و صاحب پروژه تفسیر انسانی از قرآن را می‌توان از همگرایان با افکار عبدالکریم سروس در مصر دانست. وی که در تعارض با تفکرات اخوان و الاظهر و با ارائه تفاسیر سازگار با لیبرالیسم از دین مطرح گردید، نظریات قرآنی خود را مبتنی بر نقش محوری پایمیر در شکل‌گیری وحی ارائه نمود.

اوزید همانند سروش، ظاهر و کلمات قرآن را کلام پایمیر می‌داند و معتقد است: «برای مؤمنان حتی کاغذ این کتاب هم مقدس است، اما برای من به عنوان یک محقق، این کتابی است که عده‌ای در ساختنش مشارکت داشته‌اند. من شاهد دریافت هیچ کلامی توسط محمد از سبوی خدا نبوده‌ام. من به عنوان یک مسلمان فقط شاهد گزارش محمد از مواجعه او با خدا هستم. می‌توان مسلمان‌ها را متقاعد کرد که این کتاب محمد است. قرآن کلام محمد، همگی می‌فروش خود ماست. کسی که مدعی آن شد از خدا وحی دریافت می‌کند و ما هم او را باور کردیم، اما فقط کلام محمد را در اختیار داریم و لذا با امر انسانی روبه‌رو هستیم.»

نتیجه تبعی این نوع نگاه، اعتقاد به آن است که فرهنگ قرآنی محدود به عصر حضور پایمیر و دوران نزدیک به ایشان است و امروز نمی‌توان قرآن را سرلوحه اعمال و سبک زندگی قرار داد. او برای اثبات این ادعا برخی واژگان قرآنی بهره می‌جوید که متناسب با وضعیت زمانی روزگار پایمیر بوده است. مشابه همین مسئله را عبدالکریم سروش نیز نسبت به قرآن و مسئله محدودیت زمانی آن



استفاده کرده است. این در حالیست که استفاده از برخی ظواهر آیات به معنی پذیرش فرهنگ یک عصر و مخصوصاً صحه‌گذاری بر آن نیست. طبیعی است نزول قرآن باید متناسب با فهم و درک جماعت مستمع نزول وحی باشد چرا که اگر در تمثیلات آیات از کلمات و عباراتی استفاده می‌شد که برای مسلمانان آن زمان قابل درک و فهم نبود، اساس آن مورد پذیرش واقع نمی‌گردید و نمی‌توانست منجر به تشکیل جامعه اسلامی توسط پیامبر اکرم شود. از طرفی در آیات و روایات متعدد به بسیاری از سنن و مشهورات رایج در میان اعراب تا پیش از ظهور اسلام به عنوان مؤلفه‌های فرهنگی نامطلوب اشاره شده و مورد مذمت قرار گرفته است که دین خداوند را از آن می‌توان در آیات مربوط به جنگ و خونریزی قبیله‌ای اعراب بدوی یا رومی مانند قتل کودکان دختر مشاهده کرد. علاوه بر این، قرآن کریم بسیاری از سنن‌ها و آداب را به جامعه عربی وارد کرد که تا قبل از ظهور اسلام بی‌سابقه است که خود نشان می‌دهد قرآن کریم و به طور کلی دین اسلام پیش از آنکه بخواهیم در خصوص فرهنگ‌پذیری آنان از جامعه بدوی عربی سخن بگوییم، مؤلفه‌های فرهنگ‌سازی را در این جامعه پیاده کرده‌اند. البته ابوزید و سایر اصحاب پروژه روشنفکری در جهان اسلام که ادعاهای مشابهی دارند علاوه بر این موضوع به مسائلی دیگر همچون تاریخ و منسوخ بودن برخی آیات نیز اشاره می‌کنند که بساط این شبهات مکرر از سوی علمای اسلامی داده شده است.

انکار نزول دفعی قرآن محور سوم ادعای ابوزید است. او معتقد است امکان نزول ناگهانی قرآن بر ذهن یا قلب پیامبر در مکانی فراتر از کره زمین محال است. همین مسئله منسوخ بودن بعضی از آیات ادعایی است که او می‌کوشد بر مبنای آن نزول دفعی را مورد نفی قرار دهد. مشاهده رتوس عقاید ابوزید و دلایل او برای آنها نشان می‌دهد یک هماهنگی و انسجام فکری در پروژه نفی و حیثیت قرآن در میان برخی دانشمندان متجدد کشورهای اسلامی وجود دارد و این اشتراکات می‌تواند نشان از وجود پروژه‌ای فکری در این موضوع باشد.

**تسلیمه نسرین: فمینیست ضد قرآن**  
یکی دیگر از متجددان در کشورهای اسلامی که در سال‌های اخیر افکار و تفکراتش مورد استقبال بسیاری از کادمی‌های لیبرال غربی قرار گرفته و جایز بسیاری را در این آکادمی‌ها به خود اختصاص داده است، تسلیمه نسرین است. این نویسنده و فمینیست بنگلادشی در چند کتاب داستان از جمله «مان شرم» که در فضای جامعه مسلمان بنگلادش منتشر شد و حجمی از اعتراضات و احساسات اسلامی را برانگیخت، به ایجاد ستیز میان تفکرات اسلام و هندویسم می‌پردازد. در این کتاب که به نقد دین و برخی احکام پرداخته است منجر به صدور فتاوایی علیه وحی حکم به تکفیر وی شده است. کتاب‌هایی چون «مخالفت»، «انتقام» و «دعوت» از دیگر آثار وی است که غالباً رویکرد ضدشرعیت یا فمینیستی دارند. خلاصه دیدگاه‌های وی را می‌توان در مقاله «چرا به اسلام باور ندارم» مشاهده کرد. این کتاب که عنوانش برگرفته از کتاب معروف «چرا مسیحی نیست» برتراند راسل است، اسلام را عامل عقب‌ماندگی و بازداشتن از پیشرفت در جوامع اسلامی معرفی می‌کند. نسرین در خصوص کشور خود می‌نویسد: «بنگلادش چگونه می‌تواند به یک کشور مدرن تبدیل شود در حالی که نبی از جمعیتش توسط افکار ارتجاعی عقب نگه داشته می‌شود. من وقتی شاهد بدرفتاری با زنان و توجه به این عذاب به نام مذهب هستم، آیا مسئولیت اخلاقی ام حکم نمی‌کند که با آن به مخالفت برخیزم؟»

موضوعاتی مانند احکام زنان در قرآن یا احکامی که بر اساس آن اجازه تعدد زوجات به مردان داده می‌شود، مورد اشاره تسلیمه نسرین قرار گرفته و اینکه چنین حقی برای زنان وجود ندارد، بی‌عدالتی انگاشته شده است: «یک مرد می‌تواند در یک زمان چهار زن اختیار کند، اما چرا زن چنین حقی را ندارد؟ او همه احکام اسلامی در خصوص زنان از جمله ارث، حق حضانت، حق طلاق، تمکین و... را زیر سؤال می‌برد تا به مسلک سایر فمینیست‌های دین‌سنجیز درآید. مشابه همین تفکرات را می‌توان در جراید منتشره در دوران اصلاحات از سوی شاگردان و حامیان مطبوعاتی تفکر سروش مشاهده کرد.

ادعای دیگر تسلیمه نسرین در خصوص آیات قرآن است که به عقیده وی برخی آیاتش با مستندات علمی خوانایی ندارد. او برای اثبات مدعایش می‌نویسد: «در قرآن نکات دیگری هم هست که از ارائه نظریات خود درصدد سنست کردن این بنیان‌های کتاب‌های علمی می‌خوانم در خانه به مطالعه قرآن مشغول می‌شدم. در خانه و در قرآن گفته می‌شد که زمین ثابت و بر کوه‌ها استوار است و خورشید

سیار است. درحالی‌که در مدرسه آنچه از زبان کوپرنیک و گالیله می‌خواندم، خلاف آن بود. از آنجا بود که به اختلاف اساسی میان علم و قرآن پی بردم و از آن زمان اعتقاد را به قرآن از دست دادم. در بنگلادش قرآن را مانند اسلحه برای جدال با زن به کار می‌برند.»

متأسفانه مشاهده می‌شود اغراض سیاسی و رویکردهای فمینیستی وی سبب می‌شود برای تحقیر قرآن رو به مداخله گذاشته و ادعاهای پیش پا افتاده‌ای را مطرح کند که بسیاری از دانشمندان به آن پاسخ داده‌اند و آثار و کتب زیادی در خصوص اعجاز علمی قرآن نگاشته شده است که نه تنها ادعای گروهی بودن زمین و گردش آن دور سیارات را از قرآن استخراج می‌کند بلکه دهها مورد دیگر علمی را اشاره می‌کند که صدها سال پیش از اثبات علمی و تجربی توسط آیات قرآن ارائه شده است.

تسلیمه نسرین هدف نهایی خود را سکولاریسم و خروج از اعمال اجتماعی از دایره دین توصیف می‌کند. همان پروژه‌ای که متجددان در کشورهای دیگر اسلامی و ایران نیز در پی آن بوده و هستند. او می‌نویسد: «امروز بر این باورم که در کشورم باید لائیسیت بر گزیده شود. منظورم از لائیسیت، برقراری حقوق برابر پیروان ادیان مختلف، بلکه جامعه‌ای غیردینی است.»

**فتح‌الله گولن: مروج اسلام رحمانی در ترکیه**  
فتح‌الله گولن یکی از رهبران متجدد اسلامی در ترکیه است که در مقابل جریان اسلام‌گرایی نجم‌الدین اربکان و شاگردان او قمری می‌گیرد. نظرات او عمدتاً دارای جوهر اشتراک زیادی با نگرش «اسلام رحمانی» و معتقد است اسلام باید به نرمالیزاسیون خود و رفتار مسلمانان بپردازد و از قضا خود را نیز مظهر این رحمانیت می‌داند و بر همین مبنا به یک سیستم مبد پروری و شبکه‌سازی فقه‌ای روی آورده است. «من سر تا پا با قطع احساس به صورت مستقیم به نمایندگی از رحمت (او خداوند) سخن می‌گویم. به صورت کامل؛ مانند اینکه غضب خود را فراموش نموده و در حضور چشمان رحمان و رحیم خود تکمیل گردیده باشد. بسمله‌الله از پیروزی، برای کاملاً برآیند. در حضور خداوند رحمان و رحیم منجلی. میان من و خداوند رازی که موجود است، به بیانش استوار نسازید.»

جالب است که درست مشابه سایر متفکران متجدد اسلامی در کشورهای اسلامی، گولن نیز در نگاه به وحی و شیوه اتصال آن معتقد است اتصال به وحی مختص به انبیا نیست. به تعبیری او نیز وحی را همان تجربه شاعرانگی می‌داند که سروش آن را از اختصاص پایمیر خارج ساخته و می‌گوید همه انسان‌ها می‌توانند به در جاتی از درد وحی برسند: «نظر به طبیعت انسان برتر بودنش در زمان و مکان امکانپذیر به پیروزی رسید اما پس از پیروزی، با فردا یکسان فکر کند. حضرت جبرئیل را در تلاوت دیده خواهد نوشت. بی‌کم و کاست حرف زدن ذات عروج را به خودش خواهد شنید.»

این حامی اسفکران تجددطلب کشورهای اسلامی حتی چند سال پیش در مصاحبه با روزنامه ملیت چاپ ترکیه مدعی شد که «انقلاب ایران با استفاده از نام اسلام به پیروزی رسید اما پس از پیروزی، با فردا یکسان فکر کند. حضرت جبرئیل را در تلاوت دیده خواهد نوشت. بی‌کم و کاست حرف زدن ذات عروج را به خودش خواهد شنید.»

این متجدد ترکیه‌ای در حال حاضر همچون بسیاری دیگر از روشنفکران تجددطلب کشورهای اسلامی زیر پرچم امریکا و مورد حمایت این کشور قرار دارد و دولت اسلام‌گرایی ترکیه نیز از ناحیه وی به دلیل همین شبکه‌سازی آموزشی - تربیتی در سراسر ترکیه و توجه به این عذاب به نام مذهب هستم، خطر زیادی می‌کند.

گولن از شاگردان یکی از علمای مشهور به تجددطلبی در جهان اسلام به نام «سید نورسی» بود که کوشش بسیاری در راستای همگر نمایاندن دین با ارزش‌های مدرن انجام داد. گولن و نورسی علم مدرن را پایه‌ای می‌دانند که بسر مبنای آن می‌توان به درستی عقلانی از وجود خالق دست یافت. تفاسات تجددگرایی فتح‌الله گولن با برخی دیگر از روشنفکران همچون حامد ابوزید و سروش آن است که گولن برخلاف جریان‌های ناهم‌رده، نه تنها خود را معتزلی مسلک نمی‌داند - به این معنا که او توانیم از عقلگرایی به برخی بنیان‌های اسلامی برسیم - بلکه تلاش می‌کند لزوم گرایش به مدرنیته را از دل سنت‌های اسلامی و نصوص دینی استخراج کند.

در هر حال آنچه در این میان وجه اشتراک رهبران فکری جریان اصلاح‌طلبی مدرن در جهان اسلام امروز بروز زیادی دارد، نوع نگاه به وحی به عنوان منبع نخست معرفت‌شناسی اسلامی است که با ارائه نظریات خود درصدد سنست کردن این بنیان‌های ارانه رویکردهای خرافی یا هجوآلود نسبت به اصالت وحی یا نحوه صدور آن است.

\*کارشناس علوم و معارف